

## سرود آبشار



شهریار  
سرود آبشار

این مجموعه برگزیده‌ای از اشعار استاد شهریار است. از غلامحسین یوسفی در مقدمه کتاب آمده: «قسمت عمده‌ای از دیوان شهریار را غزل‌های او دربرگرفته است. برخی از مشهورترین اشعار او نیز به صورت غزل است، خاصه آن‌ها که به آواز همراه با موسیقی خوانده‌اند. سرگذشت عشق آتشین و ناکام او که به ترک درس و تغییر مسیر زندگانی وی انجامید و مقدمه تجلی عشق عرفانی و الهی در ضمیر او شد، نیز زمینه شهرت غزل‌های ناب او را فراهم می‌آورد...»

## از شهریار تا شهریار



محبوبه کریمی افشین در این کتاب داستان زندگی شهریار را به زبانی خودمانی روایت می‌کند: «وقتی دبستان رو پشت سر گذاشت و وارد دبیرستان شد، یک نوجوون پرشور بود که تمام دنیایش شعراش شده بود. اکثر اوقات تو مجله مدرسه‌شون شعرهاشو چاپ می‌کردن و وقتی محمدحسین اونا رو تو مجله «ادب» می‌دید، از خوشحالی کم مونده بود بال دربیاره. حالا وقتش رسیده بود که به تخلص برای خودش انتخاب کنه...»

## گفت‌وگو با شهریار



«جمشید علیزاده» نویسنده کتاب در مقدمه می‌نویسد: در این سخن‌قصدم به هیچ‌وجه ترجیح شهریار بر دیگر بزرگان شعر این آب‌وخاک نیست، بلکه می‌خواهم با توجه به گستردگی تنوع و نقش تاریخی خلاقیت شهریار در دوزبان فارسی و ترکی این نکته را یادآور شوم که او بزرگ‌ترین شاعر دوزبانه سراسر تاریخ ادبیات ایران است...»

آذربایجان است. این منظومه، قاموسی از سنت‌ها و آداب و رسوم، روابط صمیمی مردم، داستان‌ها و باورها، بازی‌های کودکانه محلی، جوانمردی‌های بزرگان سرزمین اجدادی، افسانه‌ها و نمادهای مردانگی، درد غربت و جدایی از ایل و تبار، جلوه‌های طبیعت به هنگام فصل‌های مختلف سال و پندهای شاعر از زندگی است. منظومه حیدریا، از شمار بهترین آثار ادبی در زبان ترکی آذری است و در بیشتر دانشگاه‌های جهان، از جمله دانشگاه مطرح کلمبیا در آمریکا، مورد بحث رساله دکترا قرار گرفته است.

حیدریا، سنون گویلیون شاد اولسون  
دوینا وارکن، آغزون دوولی داد اولسون  
سنن گنچن تانیس اولسون، یاد اولسون  
دینه منیم شاعر اوغوم شهریار  
بیر عمر دؤر غم اؤستونه غم قالار

رضا براهنی در باب دوزبانه بودن شاعر معتقد است کسانی که در سراسر جهان به دو زبان شعر می‌گویند، فراوان هستند، اما «نمونه درخشان این‌گونه پدیده در زبان‌های خود ما شهریار است که به زبان فارسی و ترکی شعر می‌گوید. جالب است که شهریار وقتی شعر ترکی می‌گوید، شدیداً متکی بر زبان بومی و استفاده از کلمات بومی است و در واقع اصطلاحات عادی را مدام از اعماق زبان عامیانه مردم و سنت آنان بیرون می‌کشد و تا سطح شعری که گاهی واقعا عالی است اعتلا می‌دهد؛ ولی وقتی که به فارسی شعر می‌گوید، متکی بر زبان رسمی ادبی (غزل و قصیده، و به‌ندرت شعر نیمایی) و لهجه رسمی زبان فارسی است.»

معیار شعر ترکی آذربایجان نه از لحاظ کیفیت شعر و سبک و غیره، بلکه تنها از لحاظ زبان، شعرهای ترکی شهریار است. شهریار از ترکی‌ای استفاده می‌کند که از لحاظ ریشه «آذربایجانی» و بسیار اصیل و دینامیک است. شعرهای ترکی او جدیدتر از شعرهای فارسی اوست و به‌طور کلی شعر ترکی او در اوزان شکسته و فولکوریک بسیار غنی‌تر از شعر فارسی است.

نصرت رحمانی هم شهریار را تک‌شاعری معرفی می‌کند که به دلیل احاطه کاملش به زبان، رخنه عجیبی در توده مردم داشت: «کمتر شاعری از تک‌شاعران زمان را می‌شناسیم که از کارهای این مرد بهره‌مند نشده باشند. نه تنها در توده مردم که در جمع اندک آگاهان زمانش نیز چنین بود. اغلب شهریار را به‌عمد فراموش یا درباره‌اش توطئه سکوت می‌کنند. او نقطه پایان غزل‌سازی ما است. من پس از غزل‌های شهریار دیگر غزل نخوانده‌ام، جز یکی، دو مورد. «سایه» را نباید فراموش کرد که او نیز در غزل دست‌پرونده مردی چون شهریار است. اما عظمت کار شهریار، تنها در غزل خوب ساختن نیست... عظمت او در زبان متبلور و پاکش است. عظمت او در لابه‌لای سطور شعرهایش خفته. شعرهای او لبریز از صمیمیت و بخشندگی و ایثار است. مثل اینکه او به دنیا آمده تا نماینده پاک‌ترین سروده‌هایی باشد که قرن‌ها، بر قلب‌های حساس حکومت کرده است. مثل اینکه او به دنیا آمده است که بگوید ما «حافظ» داشته‌ایم، «سعدی» داشته‌ایم، «کلیف» هم داشته‌ایم... آری، او به دنیا آمده است که این حرف‌ها را با غزل‌هایش بگوید...»

ملک‌الشعراى بهار در تحسین شهریار با تاکید بر اینکه خود شعر شهریار را می‌خوانم و زیاد هم می‌خوانم، می‌گوید: «شعر او برای تشحیذ ذهن و برانگیختن طبع و احساس شاعرانه، کمال تأثیر را دارد. شهریار، نه تنها افتخار ایران، بلکه افتخار عالم شرق است. شهریار شاعری است شیواسخن و حد شاعری او را غزلیاتش گواهی است. او در هر غزلی به معنای تازه‌ای پی برده و ترکیبات شیرینی فراهم آورده است. شیوه‌اش نو، مرغوب و نزد پیر و جوان مطلوب است...»

عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست  
من که یک امروز مهمان توام فردا چرا  
نازینما ما به ناز تو جوانی داده‌ایم  
دیگر اکنون با جوانان ناز کن یا ما چرا  
یا:

پدرت گوهر خود تا به زر و سیم فروخت  
پدر عشق بسوزد که در آمد پدرم  
یا:

از تو بگذشتم و بگذاشتمت با دگران  
رفتم از کوی تو لیکن عقب سرتگران  
ما گذشتیم و گذشت آنچه تو با ما کردی  
تو بمان و دگران وای به حال دگران  
یا:

جوانی شمع ره کردم که جویم زندگانی را  
نجستم زندگانی را و گم کردم جوانی را  
یا:

به‌خدا کافر اگر بود به رحم آمده بود  
زان همه ناله که من پیش تو کافر کردم  
یا:

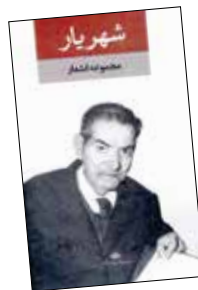
در دیاری که در او نیست کسی یار کسی  
کاش یارب که نیفتد به کسی کار کسی

درباره بُعد عاطفی انسانی اشعار شهریار، شفیع کدکنی می‌گوید شهریار بی‌هیچ تردیدی بزرگ‌ترین شاعر رمانتیک زبان فارسی است. و بعد می‌افزاید: «باید روی کلمه رمانتیک قدری درنگ کنیم. اگر بگویید فلان شاعر رمانتیک است، مردم از آن «آبکی» بودن و «سطحی» بودن و «سوزناک و بی‌ارزش» بودن را می‌فهمند و نمی‌دانند که بزرگ‌ترین جنبش فرهنگی و ادبی و هنری تاریخ بشری در اروپا و آمریکا، جنبش رمانتیک است؛ بزرگ‌ترین نواغ هنری و ادبی تاریخ بشر، امثال گوته و شیلر... همه رمانتیک هستند. شهریار، از مادر، رمانتیک زاده شده بود؛ او نیازی به خواندن بیانیه مکتب رمانتیک نداشت. او همه عمر در «خیال» زیست و با «تخیل» شاعرانه خویش ما را به فضاهایی بُرد که دیگر شاعران هم عصر او، با آن فضاها بیگانه بودند.»

پیرم و گاهی دلم یاد جوانی می‌کند  
بلبل شوقم هوای نغمه‌خوانی می‌کند  
همتم تا می‌رود ساز غزل گیرد به دست  
طاقتم اظهار عجز و ناتوانی می‌کند  
بلبلی در سینه می‌نالد هنوزم کاین چمن  
با خزان هم آشتی و گل‌فشانی می‌کند  
ما به داغ عشق‌بازی‌ها نشستیم و هنوز  
چشم‌پرویی همچنان چشمک‌پرانی می‌کند

مهدی اخوان ثالث در قیاس شهریار با عماد خراسانی، غزل شهریار را برتر می‌شمرد و می‌گوید: «شهریار در غزل‌هایش این حال و شور غزلی را دارد یا عماد (خراسانی) خودمان، سایه و بعضی دیگر، من جمله مشفق و پژمان گهگاه. اگر آدمی باشد که چیز تازه‌ای داشته باشد، هنوز هم می‌تواند در این قالب بگوید. شهریار یا عباس فرات ممکن است هر دو غزل بگویند، ولی چقدر تفاوت است بین این دو؟ آن شهریار جوان پرشور عاشق بیدل فریادگر، و این کسی که به قول خودش «عادت دارم که شبی یکی دو تا غزل بگویم.»

در باب منظومه ترکی «حیدر بابایه سلام» باید گفت که این شاهکار مخلص در شعر آذری است که وسعت دنیای تخیل او را به خوبی نشان می‌دهد. این اثر بی‌پدیل به عنوان یک شاهکار ادبی مورد توجه قرار گرفته و تاکنون به بیش از نود زبان زنده دنیا ترجمه شده است. این منظومه در سال ۱۳۳۱، سالی که مصادف با فوت مادر شهریار، «کوکب‌خانم» بود، به زبان مادری شاعر، «ترکی آذری» سروده شده، و تجلی شور و خروش جوشیده از عشق شهریار به مردم



شهریار بی‌هیچ تردیدی  
بزرگ‌ترین شاعر  
رمانتیک زبان فارسی  
است. و بعد می‌افزاید:  
باید روی کلمه رمانتیک  
قدری درنگ کنیم.  
اگر بگویید فلان شاعر  
رمانتیک است، مردم  
از آن «آبکی» بودن  
و «سطحی» بودن و  
«سوزناک و بی‌ارزش»  
بودن را می‌فهمند و  
نمی‌دانند که بزرگ‌ترین  
جنبش فرهنگی و ادبی  
و هنری تاریخ بشری  
در اروپا و آمریکا،  
جنبش رمانتیک است؛  
بزرگ‌ترین نواغ هنری  
و ادبی تاریخ بشر،  
امثال گوته و شیلر...  
همه رمانتیک هستند